

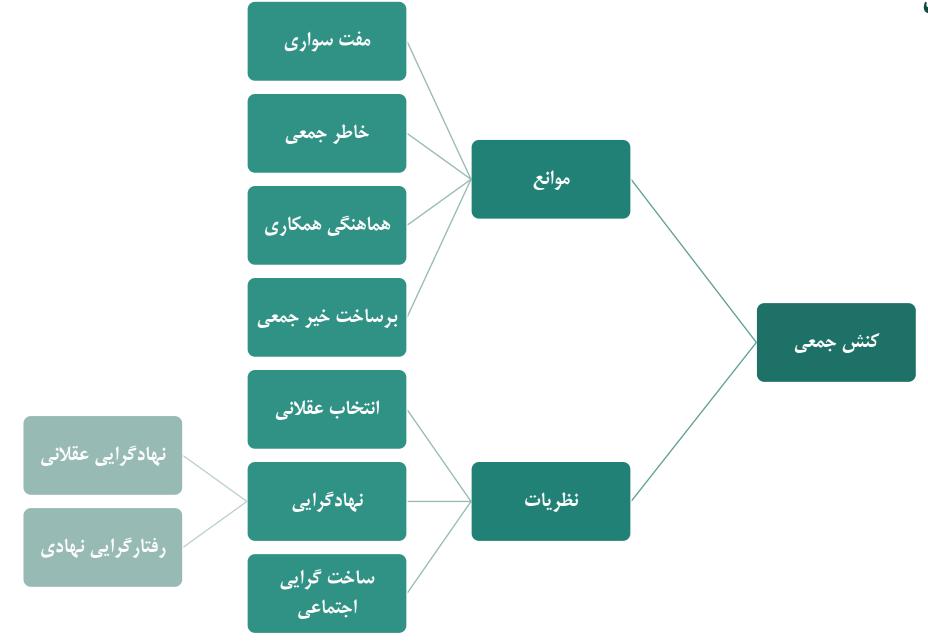


روایت



چرافراخوانهای اجتماعے وسیاسے بعداستان نیازدارند؟

بخش اول



- ترجیح فرد بر استفاده از حاصل کنش جمعی دیگران
 - بازی دوراهی زندان
 - منطق گروه های کوچک و بزرگ متمایز کننده است
- خیرهای عمومی خالص(که خیر خصوصی نداشته باشد) اندک است. فانوس دریایی
 - خیرهای پلگانی یا استانه ای
 - خیرعمومی و خیر مشترک
 - با نبود خاطر جمعی در بین کنشگران، مفت سواری ثانویه ایجاد می شود

موانع - مفت سواري

- رسیدن به نقطه برآورده کردن همکاری به ذهنیت افراد در مورد تعهد بستگی دارد
 - بازی شکارگوزن
 - خیر عمومی خیر باشگاهی
 - اگر تصمیم ما به تصمیم و حضور دیگران وابسته باشد، تحقق خیر باشگاهی هم به مشروط به خاطر جمعی می شود.
 - مانند پول افراد در بانک یا عضویت در باشگاهی با تعداد اعضای محدود

موانع - خاطر جمعی

- تعدد راه های همکاری
- منافع ناهمسان تضاد منافع
- هماهنگی محدود به جمع شدن افراد نیست، شکل و شمایل و تصویر مشخص، خواسته مشخص و رفتار هماهنگ داشتن هم مطرح هستند.
 - نقش موثر نهادها

موانع - هماهنگی همکاری

- کنش های جمعی نیازمند برساخت منفعت مشترک
 - مبنای منافع مغشوش است
 - منافع بنیادی بعضا واضح نیست
- منافع غیر خودمداری که نیاز به برساخت دارد
- چگونگی ارتباط دادن منافع به خیر جمعی افهم کنش جمعی در نسبت با منافع

موانع - برساخت خیر جمعی

نظریات - انتخاب عقلانی

توجه بیشتر به مفت سواری در این نظریه شده مشوق گزینشی را اصلی ترین عامل برای وقوع کنش جمعی میدانند

محدودیت ها

لزوم نهادهایی برای تحقق مشوق های گزینشی نمی توانیم مزایای خیر خصوصی را از خیر جمعی کاملا تفکیک کنیم.مزایای خصوصی کافی نیست!

> نبود مشوق در بسیاری از کنش ها جمعی انگیزه های هویتی و بیانگرانه را توضیح نمی دهد

نظریات - انتخاب عقلانی بازی مکرر

در روند تکرار بازی افراد بیشتر به سمت جلب نظر طرف مقابل می روند. رویکرد افراد از همیشه رویگردانی به سمت این به آن در می رود.

محدودیت ها

در دورهای نهایی این بازی تبدیل به دوراهی زندان خواهد شد همکاری بی ثبات است. نیازمند به سازوکار های تنبیهی و بازدارنده فرض تکرار پذیر بودن بازی و لزوم وجود نهادهایی برای این اتفاق مستلزم دخالت قواعدی خارجی است.

این حالت شرایطی که یکبار کنش جمعی اتفاق می افتد را نمی تواند توضیح دهد

نظریات - نهادگرایی

عامل تسهیل کنش ها را نهاد ها می داند نهادگراها در ابتدا مسئله کنش اجتماعی را نادیده می گرفتند.

نهادگرایی - عقلانی

نهاد ها بر انتخاب های انسان ها اثر گذاراند

۱. تامین مزایای گزینشی، کاهش هزینه همکاری

۲. امکان پذیر کردن تعهد

۳. تبدیل تک برخود به بازی مکرر

محدودیت ها

فرض عقلانیت غیر واقع گرایانه است نهادها خود نیازمند روابط پیشینی برای شکل گیری هستند پیدایش نهادها تنها در شرایط بازی مکرر توجیه می شود!

نظریات - نهادگرایی (رفتارگرایی نهادی)

انسانها دارای عقلانیت محدود، محدودیت شناختی ، خساست شناختی و به دنبال دوری از ناهماهنگی شناختی فرض انگاشته می شوند.

این نظریه مبتنی بر آزمایش های شناختی است

رفتار انسان طرح واره فرض می شود و نه تحلیلی.

بر این اساس طرح واره های از پیش موجود به ذهنیت ما شکل میدهند

رفتار انسان بیشتر به روال روزمره مربوط می شود تا به انتخاب هایش

در این حالت رفتار بیشتر به عادت مربوط می شود تا به انتخاب

معامله به مثل را رفتارگرایان حتی زمانی که در دوراهی زندان کاربردشان غیر عقلانی به نظر میرسد را می توانند توضیح دهند.

علاوه بر کنش های جمعی مبتنی بر عقلانیت، کنش های هنجاری و ناشی از عادات انسانی را نیز توضیح میدهد

اگر افراد برای یافتن راه حل به جست و جوی محدود رضایت بدهند و آماده کنار آمدن به جای بهینه سازی باشند، عرف، هنجارها و … در نقش سازوکارهای هماهنگی بیشتر است.

در جهان در جست و جوی محدود عرف زمانی که پا بگیرد به روال عادی تبدیل می شود.

هماهنگی ها خود به خود به کنشگران تحمیل می شود.

محدودیت ها:

به علت نیاز به طرح واره کنش های غیر تکراری که نیازمد شکل گیری طرح واره هستند را نمی تواند توضیح دهد

چگونگی تولید طرح واره را هم نمی تواند توضیح دهد

درمورد انگیزه ها، آرمان ها، ارزش ها و ... توضیحی نداده است

نظریات - ساخت گرایی اجتماعی

تجربه انسان توسط ساخت های نمادین منتقل می شود.

فهم انسانی بیشتر فرایندهای تمثیلی مربوط است تا استدلال های تحلیلی و یا طرح واره های عادی آشنا

عواطف فقط به شناخت رنگ و بو نمی دهد بلکه شناخت را هم ممکن می کند

انسان نیاز به معنادهی به تجربه و میل به هویت آفرینی دارد و از عواطف هم به اندازه استدلال یا عادت انگیزه می گیرد.

یه این ترتیب این نظریه بهتر کنش انسان ها در برابر مصائب و یا یک آرمان و انگیزه را برخلاف دو نظریه قبلی توضیح میدهد.

ساخت گرایان کنش جمعی را از بیخ و بن انکار می کنند.

نظریه قاب استثنایی است که به مسئله کنش جمعی می پردازد.

گافمن معتقد است همیشه برای هر رخداد چند تفسیر ممکن است وجود داشته باشد.

این نظریه برجسته کردن ابعادی از واقعیت را علاجی برای پرداختن به آن می دانست.

شروط لازم کنش: تنظیم قاب به منزله پیوند میان جهت گیری و تفسیرهای همه کنشگرانی که باید بایکدیگر مکمل شوند.

در نظریه قاب به خوبی مواتع کنش جمعی پرداخته است. قابی که در این نظریه بیان می شود موانع خاطر جمعی، مفت سواری و برساخت جمعی را از بین می برد. این نظریه می تواند خلا نظریات قبلی را پر کند.

اما کماکان پاسخ چگونگی قاب بندی و همسو کردن هویت فردی و جمعی را نداده است!

پی رنگ	
شخصیت	رمزگان روایی
معنا	
شناخت	
احساسات	قصه، ابزار ذهن
هويت	ابورار دهی
اجرا و عمل	
متقاعد سازی	
نگرش	
باورها	
منافع	سلطه ذهن بر قصه
ارزشها	
هویت و همذات پنداری	
ایفای نقش	

یادآوری

فهميدن

خلق معنا

در این فصل سعی شده توضیحاتی در رابطه با قصه، ساختار و اثرگذاریاش داده شود اما حرف جدید و روبه جلویی وجود ندارد که مزیت کتاب حساب شود.

قصه

توضیحات و تقسیم بندی ای هایی شده که صرفا در فصل آخر مقصود خود را بتواند جا بیاندازد.

پیرنگ

- تر اژدی: سقوط
- تراژدی: خاک به خاک
- پیروزی: پیدایش و خروج
- پیروزی: رستاخیز(قالب روایت های کنش های جمعی)

رمزگان روایی

معنا

- قصہ حاوی قضاوت اخلاقی
- تفسیرهای از یک قصه یکسان نیست
 - امکان همگرایی در تفسیرها

شخصيت

- قربانیها
- نجات يافتگان
 - شرورها
 - قهرمانان

شناخت • یادآوری • فهمندن • خلق معنا احساسات اجرا و عمل • فاقد اتفاق نظر هويت

قصه، ابزار ذهن:

قصه، ابزار دهن - شناخت

یادآوری

ما روایت ها را بهتر به خاطر می سپاریم. بخش بزرگی از حافظه ما طرح واره است. بسیاری از طرح واره های ما به وسیله قصه ساخته میشوند. خاطره ها را بیش از آنکه به یاد بیاوریم بازآفرینی می کنیم...

فهميدر

فهمیدن یعنی تبدیل ادراک خام به برساخت های ذهنی منظم و دسته بندی شده روایت اساس اش بر توضیح عللی است. قرارداد های روایت به ما امکان وصل کردن نقاط را می دهند. روایت ها به ما امکان فهمیدن و دسته بندی می دهند.

خلق معنا

بخشیدن معنا به رخدادها یادآوری و معناسازی نوعی برساخت روایی اند

قصه، در ذهن - احساسات و هویت

احساسات

احساسات ما روی تفکراتمان سایه می اندازند اما در مورد چگونگی آن اجماعی وجود ندارد.

> ساربین: احساسات پیرنگ پردازی روایت است. باورو کوئن: احساسات شخصی مانند غربال پالاینده عمل هستند.

هويت

روایت ابزار تثبیت هویت است.

برونر: ما(هویت) همان روایت های خود زندگی نگارانه ای می شویم که با ان ها زندگی هایمان را وصف می کنیم.

قصه ها علاوه بر خوداً گاهی نوع شخصیت ما را هم مشخص می کنند. پیوسته در حال بازبینی و اصلاح روایت زندگی مان هستیم.

قصه، ابزار ذهن - اجرا و عمل

استعاره صحنه نمایش؛ برونر: ما هم تماشاچی و هم بازیگر و شاید نویسنده قصه زندگی مان هستیم.

کنش های ما زمانی فهم پذیر هستند که بتوانیم ناظر به آنها قصه های معقولی روایت کنیم.

ما علاوه بر فهم شدن به دنبال تایید و بعضا همراهی دیگران هم هستیم. ذیل هویت و روایت خود زندگی نامه ای مان ملزم به ایفای نقش دراماتیک مان می کند.

متقادعد سازي ايفاي نقش: الزام نگرش دراماتیک هویت و همذات باورها پنداری منافع • منافع ارزشها ايدئولوژيک • منافع دوستانه

سلطه قصه بر ذهن

- ✓ پیش فرض سلطه قصه هابرذهن مخاطب مفتون شدنافراد با خواندن قصه ها است.
- ✓ مفتون قصه شدن هم بستگی به میزان درگیری فعالانه با قصه دارد.
- ◄ همانند احساسات در رابطه با چگونگی تغییر هرکدام را توضیح نمی دهد.

سلطه قصه بر ذهن

متقاعدسازي

وقتی قصه ای ذهنمان را تسخیر می کند، می تواند نگرش ها، باورها و منافع و دغدغه هایمان را دگرگون کند.

نگرش

بازاریاب ها خوب می دانند قصه چه اثری می تواند داشته باشد آگهی تبلیغاتی اسنیکرز تغییر نگاه مردم به ایدز تحت تاثیر روایت ها

باورها

غیرمستقیم و تحت تاثیر نگرش ها پذیرش پیشفرض قصه های مفتون شده و استباط روایی تیموتی براک و ملانی گرین نشان میدهند که قرار گرفتن در معرض روایتی با پیامی تلویجی و پوشیده شده بر باورهایمان تاثیرگذار است. هرچه شدت مفتون شدن بیشتر باشد، اثر پیام هم بیشتر است.

سلطه قصه بر ذهن

منافع

مهم ترین تاثیر روایت از دیدگاه کنش جمعی بر روی منافع و دغدغه هایمان است. غیر مستقیم تحت تاثیر باورها هستند.

بسیاری از منافع حتی منافع خودمدار نیاز به برساخته شدن دارند

رزش ها

روایت هم در تثبیت ارزش های بنیادین نقش مرکزی دارد و هم در قاب بندی مسائل در چهارچوب بندی این ارزش ها (طرح وارهها)

هویت و همذات پنداری

همذات پنداری زاویه نگاه متفاوتی به ما میدهد.

می توانیم خود را جای نقشی قرار بدهیم و زندگی را متفاوت تصور کنیم. زندگی نامه بزرگان

ایفای نقش

اگر با شخصیتی همذات پنداری کنیم الزام دراماتیک قصه ما را ملزم به ایفای آن نقش می کند داستان مسابقه فوتبال آمریکایی

نقشه هوایی روایت تا کنش جمعی

کنش عرضه قصه من بحران به ما ب

جامعه و روایت ها؛ فرهنگ

سیاست هرقومی همانی است که در خیالش می پروراند

یک فرهنگ بودن یعنی اشتراک داشتن در مجموعه ای از روایت های عمومی، تاریخی، دینی، ایدئولوژیک و عامیانه

مجموعه روایت ها حول روایتی کلان تر شکل میگیرند.

مثال محافظه کاران و لیبرالیسم های آمریکایی که هردو کلان روایت و مجموعه روایت هایی را بعضا در تضاد با یکدیگر در دل خود دارند.

از روایت تا شکلگیری خیرجمعی

كلان روايتها

- هويت جمعي
- جهانبینی مشترک
- منشهای مشترک

جامعیت پذیری و ثبات روایتها

• ساز و کار انتقال محتوا از جامعه به فرد در عین عاملیت فردی

• ثبات روایتهای عمومی

برساخت خيرجمعي

- خير جمعي خودمدار
- خيرجمعي غيرخودمدار

شکل گیری خیر جمعی

روايت

كلان روايتها

هویت جمعی

روایت های عمومی برای جامعه همان کارکردی را حدودا دارند که روایت های خصوصی برای افراد دارند. روایت ها پیامد عضویت در یک اجتماع نیستند بلکه در وهله اول کمک می کنند که یک اجتماعی بسازیم. رخداد های ناسازگار معمولا روایت نمی شوند در روایت های تاریخی جایی ندارند. مثال آتش افروزی شرمن ها در جنگ اتلانتا جهان بینی و منشها

روایت های تاریخی جهان بینی و منش های اجتماعی را پی می افکنند. روایت ها محمل باورها، باورها و .. گروه های هم هویت هستند.

برساخت خيرجمعي

خيرجمعي خودمدار

منافع حقیقی فردی نیز همیشه واضح نیستند و نیاز به برساخت دارند.

مانند ناملموس بودن جنگ با آلمان ها برای بعضی انگلیسی ها حتی زمانی که فرانسه هم مورد هجوم قرارگرفته بود.

خير جمعي غيرخودمدار

کک و سیکینگ برای کنشگری فراکشوری درباره یک معضل معتقدند باید آن را به یک قصه عللی ای ربط داد. ایجاد همدلی و دغدغه حول موضوعات حقوق بشر مستلزم برساخت دیگری که همنوا با جهان بینی و منش جامعه های مختلف باشد نیز هست.

کتاب بهار خاموش در حوزه محیط زیست

منفعت جمعي

منافع مشترک به جای منفعت جمعی

آیا کنشگران یک گروه برای منافع جمعی و حتی مغیر با منافع شخصی شان دست به کنش خواهند زد؟

جامعیت پذیری و ثبات روایتها

تزاحم جامعیت پذیری فرهنگ ها و عاملیت افراد

جامعه شناسان تاثیر فرآیندها و ساختارها بر افراد را بسیار پر رنگ می دانند ورچ مبتنی بر آرای ویگوتسکی: ما در میانه زندگی می کنیم. جایی میان نیروهای فرهنگی و عاملیت فردی. او به واسطه گری روایت میان جامعه و ذهن تاکید میکند.

ثبات روایت ها در جامعه

شوار تس: با نگاهی به قصه واشنگتن در بیشتر موارد می بینیم گذشته نه کاملا بی ثبات و نه کاملا متغییر بازنمایی می شود.تصویر ما از انقلاب اسلامی یا عاشورا

گرچه روایت های فرهنگی می توانند یک موجودی آغازین محسوب شوند اما عاملیت فردی گوینده را نمی شود نادیده انگاشت.

جیل لپور در رابطه با تاریخ انقلاب آمریکا این را اشاره می کند: انقلاب فقط یک شروع بود. نبرد بر سر معنایش ممکن است پایانی نداشته باشد.

كنش جمعي، قدم اول

برساخت خير جمعي را نقطه شروع تحليل كنش جمعي مي توان دانست.

برای تحقق خیر جمعی اول باید به وسوسه مفت سواری غلبه کنیم...

حضور در برنامه های مهمی که می توانی نروی...

راه حل های قبلی صاحب نظران پیرامون برطرف کردن این مانع

- ۱. مشوقهای گزینشی
- ۲. ساختارمند کردن بده بستان های مکرر
 - ۳. توانمند کردن نهادها

اما علارغم این پاسخ ها مواردی از کنش های جمعی را شاهد هستیم که بدون این راه حلها موانع کنش برطرف شده است که با این موارد هم نمی توان آنها را توضیح داد.

برانگیختن کنش جمعی

روایت مفتون کننده می تواند مشارکت در کنش جمعی را به منبع مزایای بیانگرانه یا هویتی تبدیل کند و افراد را به همکاری وادارد. رهبران اجتماعی سعی می کنند کنش را مفتون روایت دراماتیکی کنند که به برهه حال معنا میبخشد

ایفای نقش تتحت به بازیگر بازیگ

منافع شخصی مادی

قدرت نهادهای اثر گذار فرهنگی + گروه های تحت تاثیر نهاد

تصور و پذیرندگی در قبال راوی

قدرت اقناعي قصه

همنوا بودن با قصه های پیشینی و کلان روایت ما

مشخص نبودن پیام قصه

قصه قوی

نسبت روایت ها با موانع کنش جمعی

مفت سواری

اگر رضایت شخصی از ایفای نقش دراماتیک به وجود نیاید همچنان مفت سواری باقی می ماند.

خاطر جمعی

روایت به واسطه اثرگذاری در احساسات انسانی اسباب تعهد آفرینی را ایجاد می کند.

تشخیص میزان تعهد افراد به میزان توانایی ما وابسته است.

پی رنگ و الزام دراماتیک شخصیت ها ما را می تواند متعهدکند. طبق نظریه مردمی روایت شیفتگی نشان دادن منجر به باور کردن تعهد پذیری اعضای کنشگر می شود.

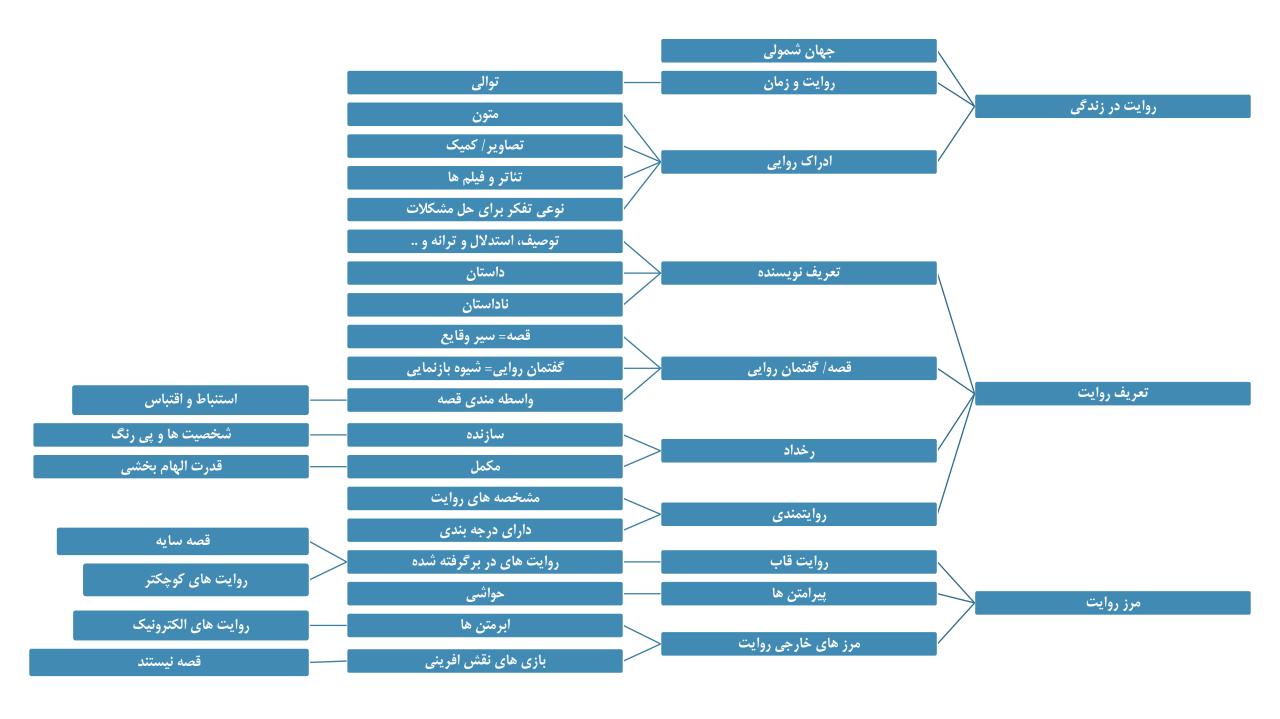
هماهنگی همکاری

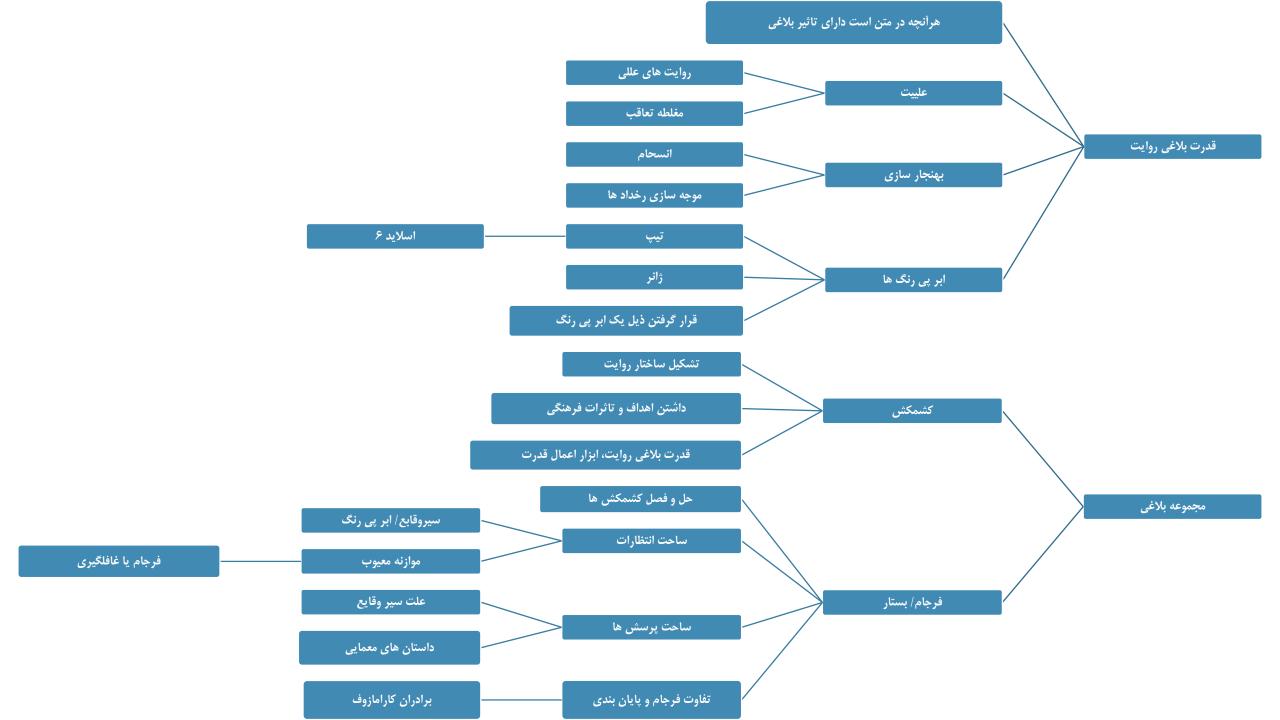
روایت مشترک می تواند رفتار هماهنگ پدید آورد.

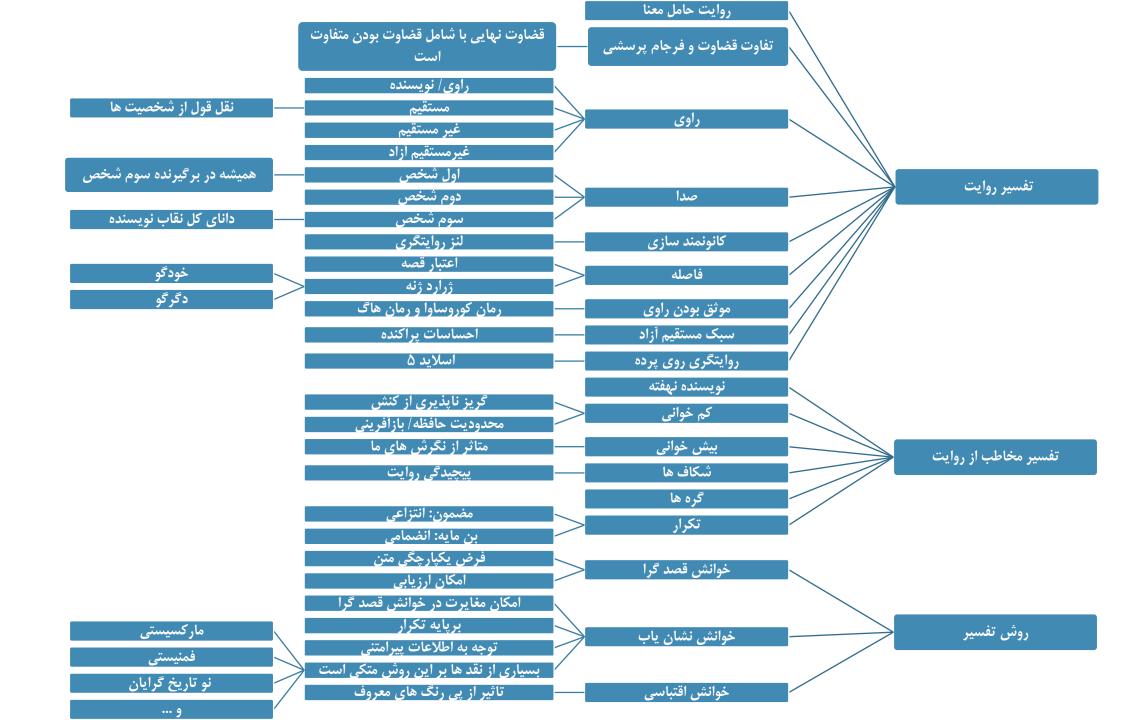
تصوراهای ما به کنش ها و اقداماتمان معنا می بخشد.

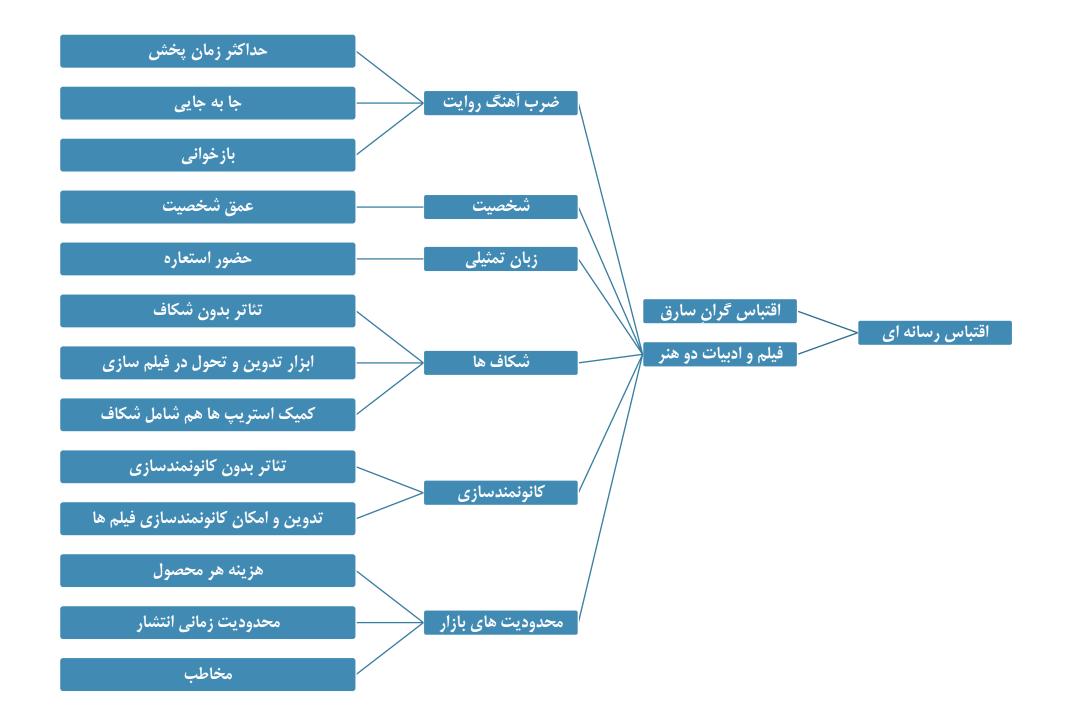
سنت های مختلف فرهنگی موجود در جوامع کنشهای تاریخی و تکراری را از خود به جای می گذارند.

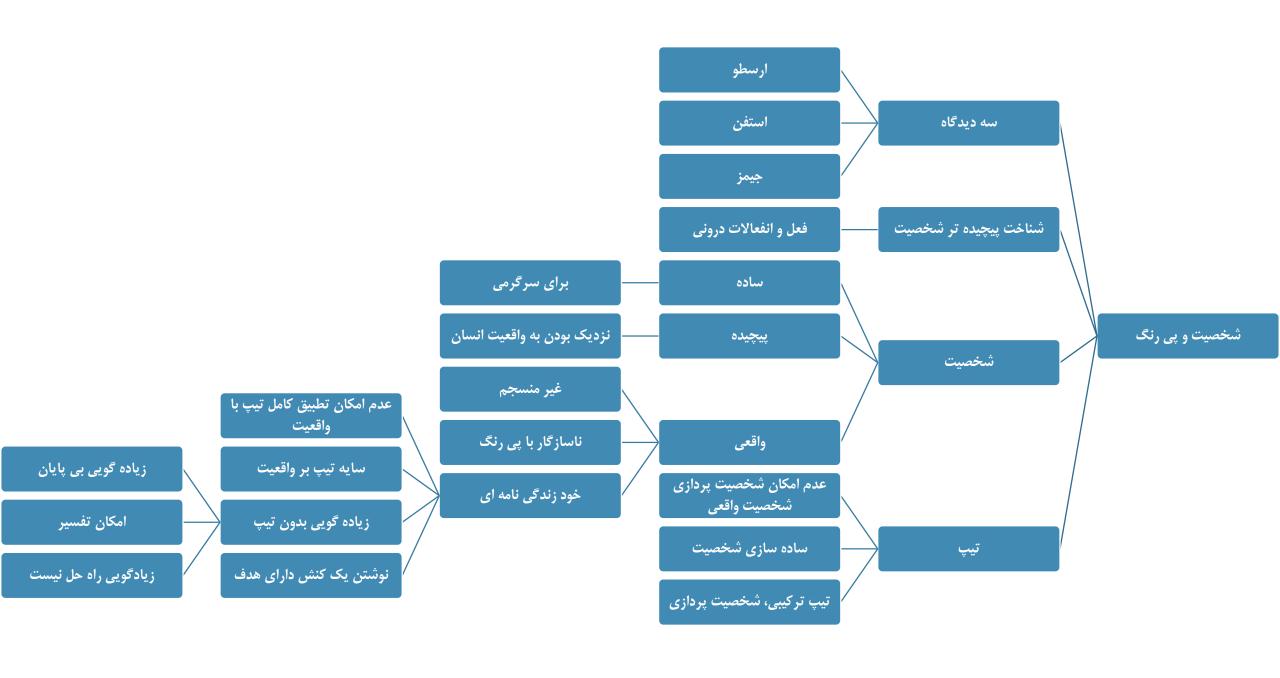
برساخت اجتماعي











		ادعای جذاب و نقص ناداستان	
	خيال و واقع	فقط دو نوع داستان	
	ارجاع به وقايع		
	عدم تطابق كامل با واقع	ناداستان	
	ابطال پذیر		
	پیرامتن و حواش <i>ی </i> ارجاعات	تمايز دو داستان	
\geq	شگرد نویسنده	تهایر دو داستان	1
	میزان حضور و جدیت تاریخ در داستان از نظر مخاطب		
\geq	قرابت مخاطب با نسخه خاصی از تاریخ	واکنش مخاطب به تاریخ در داستان	-
	مخاطب در برابر روایت تاریخ در داستان		
	ارسطو		
	<i>yy</i>		
		حقيقت داستان	
\geq	نيچە		
	در كالبد گذشته		
	HISTORY- STORY	روایت پردازی	
\	وقایع پی رنگ ندارند، تاریخ نگاران به اَنها معنا می بخشند	روایک پرداری	ı
\langle	انواع بازنمایی		

پی رنگ

عدم امکان روایت عمق شخصیت در تاریخنگاری

اعتبار کم رمان تاریخ بین تاریخ نگاران

فهم ما از دنیای واقعی نقش مهمی در دنیای داستان دارد.

اصل كمينه

معنا نه واقعیت

وجود حقيقت مطلق

افلاطون (تحریف حقیقت توسط روایت ها)

حقیقت، دنیا است

روایت واسطه بین انسان و واقعیت

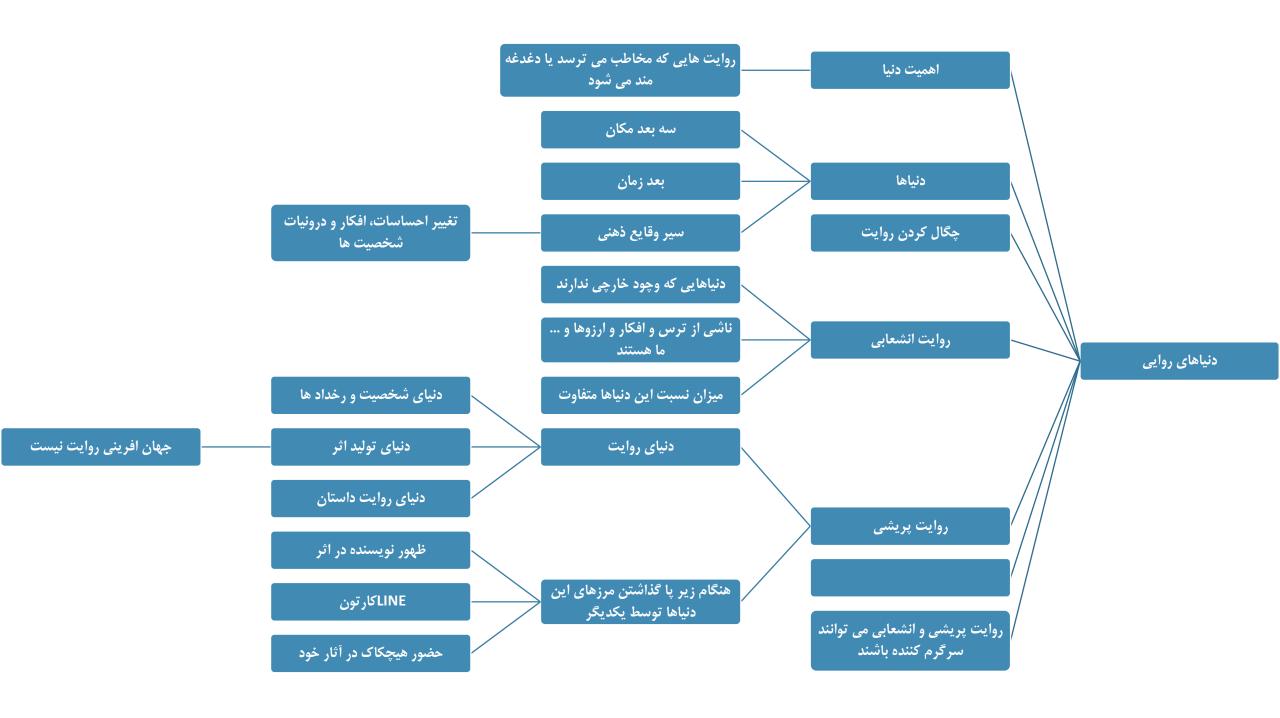
دروغين

واقعى

داستانی

توانایی تشخیص کذب

	شاکی و وکیل مدافع در پی خلق روایت		
همزمانی تولید دو روایت	پیچیده تر از روایت ها	محاکمه و دعاوی قضائی	
مانند رمان تاریخ	کل محاکمه بازتابی است		
	روایت کوتاه تکمیل کننده روایت کلان	شبکه روایی	
	روایت ناقص و فاقد عناصر کلیدی		
روایتی که وکیل مدافع داشت	حضور متكثر در شبكه روايي محاكمه	قصه سایه	
	روایت کوتاه جداگانه؟؟؟		
	چالش <i>ی</i> ترین شکاف در روایت		$\setminus \setminus$
	انگیزه قابل استنباط هست اما اثبات خیر		
قصه سایه برای شخصیت خشن لیزی	انگیزه وابسته به خلق و خو	انگیزه و منش	
	الزام استنباط انگیزه در دادرسی های جنایی آ		
	استنباط انگیزه و خلق و خو نیازمند به خلق پی نگ		
	ساده سازی شخصیت	ابرپی رنگ و تیپ	
پی رنگ تصویرسازی شخصیت زنان	مثال در داستان لیزی		
تیپ شخصیت زن مکبث	رعایت قانون عدالت را برای همه تضمین نمی کند		
ضد روایت: روایت تضعیف کننده پی رنگ غالب فرهنگی	تغییر فرهنگ به وسیله ضد روایت ها	بازبینی ابر پی رنگ روایی	
	همه جا هست		
وجود معيار قضاوت	تمايز كشمكش قضايى		
تعداد و تمرکز روایت ها	تاریخ پژوهان درگیر حل کشمکش های تاریخی	پیکار روایت ها	
	خلق قصه جهانی نیازمند جدال گسترده روایت ها		
	کشمکش ها سیاسی و تبلیغاتی نیز از همین درگیری روایت ها است		



		در یک روایت لزومی به بازنمایی کشمکش	
		نیست	
	صوخت قدرت، دغدغه های خوانندگان روایت است	کشمکشی که در قصه حل می شود به اَن	
		قدرت می دهد	
	گره خوردن کشمکش قصه ها با گره های بزرگ تر		
	ما	خلق چند باره ابر پی رنگ ها به علت ثبات	
	علاوه بر حل کشمکش یک تفکر برخلاف تفکر	کشمکش ها	
	انتزاعی در جریان است که با احساسات گره خورده		
برانگیختن دو حس با هدف متعادل کردن ان ها	ارسطو		
زنده بودن امیال برخلاف سرکوب ها			
	فروید		
در یک بسته نمایش لذت گناه و و رضایت از			ts and the state
مجازات مجرم		خوانش انتقاد	ربط درونی روایت ها
نظریه تکامل اجتماعی (نسب مادری به تبار پدری)	پراپ		
خوانش ساختاری			
خوانس شخباری	استراوس		
راهی برای حل تناقضات هستی در قالب روایت ها	7		
رسی بری مل مدسد و مستی در دید روید و مد	تطور تاریخی نظرات		
طرح درست مسئله متفاوت از پاسخ به مسئله	چخوف		
عدم قطعیت در ذات فعالیت ساخت معنا به وسیله	\\		
نشانه ها			
بر این اساس فرجام پرسشی نداریم	در دل بحث های شفاف امکان ساخت شکنی هست	فرجام	
معنای نشانه ها مطابق با واقع نیست و متکی به			
شبکه دلالی خود معنا می یابد			
تعداد تفسیر های پربار هر متن محدود است	·< ^ :11		
اتهام به پوچ گرایی	منتقدان ساخت شکنی		